


Historical Evolution of Commentators' Opinions About the Style of Deletion in Qur'ānic Intervals (Fawāṣil al-ʿĀy)



Moḥammad Estirī

MA Student of Quranic Studies, Mashhad School of Training *Qur'an* Teachers,
University of Quranic Theology, Mashhad, Iran.

Muḥammad Jawād Tawakkuli Khānīkī 

Assistant Professor in Mashhad School of Training *Qur'an* Teachers, University of
Quranic Theology, Mashhad, Iran (corresponding author: tavakoli@quran.ac.ir).

Abstract

One of the ways to create charm and eloquence for words is to create proportion in it. In the Holy *Qur'an*, this method has been widely and effectively applied. One of the types of proportionality that can be seen widely used in the *Qur'an* is to create harmony and proportionality in the intervals of the verses. However, in the suras of the *Qur'an*, the proportionality of the final words is not always respected. Wherever in the *Qur'an*, the harmony and appropriateness of intervals are in conflict with their verbal and literary rules and norms, deconstruction has occurred, and extra-normatives have been presented that add to the eloquence and charm of the speech. Among the types of literary, rhetorical and lexical changes and deconstructions of the *Qur'an* that can be seen in the Qur'anic intervals is the deletion of letters and words. Such deletions from the *Qur'an* have been discussed by writers, commentators and *Qur'an* scholars since the first century of Hijra. In the present study, we intend to recognize the interpretations and books about the *Qur'an* up to the 13th century AH that dealt with the style of deletion in the intervals of the verses, and to investigate the evolution of attitudes towards the style of deletion in them. We want to defend this theory that the attitudes towards the style of deletion in these works can be categorized into two major stages according to the characteristics and common features in the analysis and interpretation method: the formation stage (before the 8th century AH), and the development stage; Also, we intend to reunderstand the attitudes towards the application of this style in the *Qur'an* from a critical viewpoint during both periods of developments.

Keywords: Elimination style, al-Fawāṣil, Quranic interval.

Original Research


Received: 17/ 11/ 2022, accepted: 29/ 12/ 2022, and published: 29/ 12/ 2022, Pages: 141-165.

Publisher: Mashhad Faculty of University of Quranic Theology and Awareness.

Print ISSN: 2783-5294

Online ISSN: 2783-5308

Open access in web address: <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

 DOR: 20. 1001. 1. 52942783. 1401. 3. 1. 6. 9

NOTE: Latin transliteration of the bibliography is included in the final pages of this article.



سیر تحول تاریخی آراء مفسران درباره اسلوب حذف در فواصل قرآنی

محمد استیری

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث،

دانشکده تربیت مدرس قرآن مشهد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مشهد، ایران.

محمدجواد توکلی خانیکی ^{ID}

استادیار دانشکده تربیت مدرس قرآن مشهد،

دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مشهد، ایران (نویسنده مسئول: tavakoli@quran.ac.ir).

چکیده

یکی از شیوه‌های ایجاد جذابیت و بلاغت برای کلام ایجاد تناسب در آن است. در قرآن کریم هم از این شیوه به نحو گسترده و تأثیرگذاری بهره جسته است. یکی از انواع تناسب که می‌توان کاربرد گسترده آن را در قرآن دید ایجاد هم‌آهنگی و تناسب در فواصل آیات است. با این حال، همواره در سوره‌های قرآن تناسب فاصله‌ها مراعات نمی‌شود. هر جا در قرآن هم‌آهنگی و تناسب فاصله‌ها با قواعد و هنجارهای لفظی و ادبی آن‌ها در تضاد بوده، ساختارشکنی روی داده، و فراهنجاری‌هایی ارائه شده که بر بلاغت و جذابیت سخن افزوده است. از جمله گونه‌های تغییرات و ساختارشکنی‌های ادبی، بلاغی و واژگانی قرآن که در فواصل قرآنی هم دیده می‌شود حذف حرف و کلمه است. این قبیل حذف‌های قرآن از سده اول هجری مورد گفتگوی ادیبان، مفسران و قرآن‌پژوهان بوده است. در مطالعه حاضر بنا داریم تفاسیر و کتب علوم قرآن تا سده ۱۳ را که به اسلوب حذف در فواصل آیات پرداخته‌اند بازشناسیم و سیر تحول نگرش‌ها به اسلوب حذف را در آنان بازکاوییم. بنا است از این دیدگاه دفاع کنیم که نگرش‌ها به اسلوب حذف در این آثار، با توجه به خصوصیات و ویژگی‌های مشترک در تحلیل و روش تفسیری در دو مرحله کلان قابل دسته‌بندی است: مرحله تکوین (تا پیش از سده ۸ ق)، و مرحله توسعه؛ هم‌چنان‌که بنا داریم در ضمن این مرور، نگرش‌ها به کاربرد این اسلوب در قرآن را نیز با نگاهی انتقادی بازخوانیم.

کلیدواژه‌ها: اسلوب حذف، فواصل، فاصله قرآنی.

مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۱/۸/۲۶ ش، پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۸ ش، نشر: ۱۴۰۱/۱۰/۸ ش، صفحه ۱۴۱ تا ۱۶۵.

ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی مشهد)

شاپای چاپی: ۵۲۹۴-۲۷۸۳

شاپای الکترونیکی: ۵۳۰۸-۲۷۸۳

دسترسی آزاد: پایگاه اینترنتی <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

DOR: 20. 1001. 1. 52942783. 1401. 3. 1. 6. 9

درآمد

تناسب و هم‌آهنگی کلام را دل‌نشین‌تر و زیباتر، و تأثیر آن را در ذهن و جان آدمی بیش‌تر می‌کند. در میان سخنوران زبان عربی نیز تناسب و هم‌آهنگی کلام امری پسندیده و مهم تلقی، و از جایگاه بسیار بالایی برخوردار شده است. قرآن نیز به زبان عربی نازل شده، از صنایع لفظی، ادبی و بلاغی این زبان به نحو گسترده‌ای استفاده کرده، و از جمله، شیوه‌های مختلف ایجاد تناسب در کلام را مورد توجه قرار داده است.

در قرآن هم چون دیگر متون فاخر ادب عربی چنین تناسبی آن‌قدر مهم تلقی شده که گاه — برای ایجاد آن — کلام از نظم ادبی و قواعد لفظی خود خارج گردیده است. خروج از نظم مبتنی بر قواعد لفظی می‌تواند با بهره‌جویی از شگردهای مختلفی صورت گیرد. یکی از گونه‌های این تغییرات ساختار شکنانه ادبی که در قرآن هم به‌گسترده‌ای روی داده، تغییر متن با بهره‌جویی از شگرد حذف است.

یک شاهد گویا بر کاربست این شیوه در قرآن کریم آراء مفسران است. مثلاً با مرور تحلیل‌های نحوی مفسران به موارد فراوانی برمی‌خوریم که برای تبیین معنا چاره‌ای مقرر انگاشتن برخی تعابیر ندیده‌اند؛ یعنی برای بازنمون تحلیل مستقیم از معنای آیه چنین فرض کرده‌اند که برخی معانی در ادراک گوینده حاضر بوده، اما به اعتماد آگاهی شنونده از آن، از ظاهر کلام حذف شده است.

کاربست شگرد حذف در قرآن البته محدود به حذف‌های تقدیری نمی‌شود و حذف با اهداف دیگری نیز در قرآن روی داده است. بحث درباره اسباب و علل وقوع حذف در آیات قرآن تا دوران معاصر زمینه‌ای برای بحث مفسران و قرآن‌پژوهان بوده است و هر یک دیدگاه‌های ادبی و بلاغی خود را درباره آن بیان داشته‌اند (برای مرور نمونه‌هایی از مطالعات درباره وقوع حذف در قرآن به مثابه شگردی بلاغی، بنگرید به: فتحی، عظیم‌پور، سیدی، شهبازی، برزین، سراسر همه مقالات).

طرح مسئله

یک شگرد بلاغی دیگر برای ایجاد تناسب در کلام که کاربرد آن در میان قوم عرب از رواج

گسترده‌ای برخوردار بوده، بهره‌جویی از قافیه و سجع است. کاربرد شیوه‌ای مشابه را در قرآن به شکلی تناسب عبارات پایانی و مشاهده نوعی وزن و آهنگ مشابه در آن عبارات می‌توان یافت. معمولاً به عبارت پایان‌بخش آیات قرآن فاصله گفته می‌شود. فاصله در لغت به دیوار میان دو چیز گویند که مرزی میان دو سوی خود ایجاد کند و موجب تمایز آن‌ها گردد (ازهری، تهذیب اللغه، ۱۳۶/۱۲؛ ابن منظور، لسان العرب، ۱۱/۵۲۱).

در آثار عالمان علوم قرآن تعاریف تخصصی متعددی از فاصله می‌توان دید. بعضی فاصله را حروف هم‌گون پایان آیات دانسته‌اند که با فصل نهادن میان عبارات، باعث فهم بهتر معنا می‌شوند (رمانی، النکت، ۹۷؛ باقلانی، اعجاز القرآن، ۶۱). برخی اواخر آیات را فاصله نامیده‌اند؛ بی‌آن‌که مشخص کنند چه بخشی از عبارت پایانی هر آیه را باید فاصله انگاشت و منظور از فاصله آیا حرف، کلمه یا جمله آخر آیه است (بنگرید به: راغب، المفردات، ۳۹۵). برخی نیز کلمه آخر هر جمله از قرآن را فاصله نامیده‌اند؛ خواه این کلمه در پایان آیه‌ای جای گرفته باشد یا نه (بنگرید به: سیوطی، الاتقان، ۳/۳۳۲). عده‌ای نیز فاصله را بخش پایانی از آیاتی شناسانده‌اند که مانند قافیه در شعر و سجع در نثر با پایان‌بخش دیگر آیه‌ها تشابهی دارد (زرکشی، البرهان، ۱/۵۴-۵۳، ۵۸-۵۹).

این‌گونه، برخی از عالمان مسلمان - مثل ابوعمرو دانی - میان کلمه پایان‌بخش جملات قرآن و عبارت تکرارشونده پایان‌بخش آیات فرق نهاده‌اند. به‌همین ترتیب، شماری از عالمان فاصله را با هر کلمه یا عبارت پایان‌بخش آیه هم‌سان انگاشته، و برخی دیگر نیز، فاصله را مختص سوره‌هایی با عبارات مشابه در آخر آیه‌ها دانسته‌اند (سیوطی، الاتقان، ۳/۳۳۲). قول مشهورتر البته سخن این دسته اخیر است.

برخی معاصران در مقام کوشش برای ارائه تعریف دقیق‌تر گفته‌اند که فاصله توافق حروف پایانی آیات در حروف روی یا وزن است (حسناوی، الفاصله فی القرآن، ۲۹). در مقام ارائه تعریف دقیق‌تر باید به این توجه کرد که فاصله دارای دو جنبه صوتی و دلالی است. از جنبه صوتی، فاصله حروف و کلمه پایانی آیه است که به آیات یک سوره نظم و آهنگی خاص می‌بخشد. از جنبه دلالی نیز، فاصله عبارت و جمله پایانی و مستقل برخی آیات است که معنایی مشخص را افاده کند و درعین حال، با محتوای آیه نیز ارتباط معنایی وثیقی داشته باشد.

بر پایه این تعریف، لزوماً همه آیات قرآن فاصله ندارند (بنگرید به: آخوندی، «بررسی تطبیقی تعاریف فاصله قرآنی»، ۸۱-۹۶).

به هر روی، چنان‌که مفسران قرآن کریم دریافته‌اند، ایجاد فاصله در قرآن کریم تا بدان حد مهم بوده که گاه با بهره‌جویی از شگردهایی هم‌چون تقدیم و تأخیر در کلمات آیه هم‌آهنگی فاصله پایانی با فواصل دیگر آیات حفظ شده است (برای مرور برخی نمونه‌های آن، بنگرید به: سیوطی، *الاتقان*، ۳/ ۴۰، ۴۲، ۴۴، ۴۶، جاهای مختلف). بر پایه آن‌چه گفته شد می‌توان احتمال داد گاهی در قرآن کاربست شگرد حذف نیز برای مراعات فاصله یا همان هم‌آهنگی و تناسب کلام روی داده باشد. مرور آراء عالمان مسلمان در این‌باره گویا ست که از گذشته‌های دور در این‌باره بحث و اختلاف نظر داشته‌اند که آیا می‌توان پذیرفت حذف برخی کلمات از اواخر آیات قرآنی با هدف مراعات فاصله روی داده باشد یا نه (بنگرید به: فصول بعد).

هدف از مطالعه پیش‌رو بازکاوی اختلاف‌نظرها درباره همین مسئله است. می‌خواهیم بدانیم که اولاً، عالمان مسلمان درباره امکان حذف کلمات و عبارات با هدف مراعات فاصله چه دیدگاه‌های متفاوتی ابراز داشته‌اند؛ ثانیاً، تمایزات احتمالی آراء ایشان ریشه در اختلاف‌ها در چه مبانی و مقدمات و تمهیدات دیگری داشته است؛ و ثالثاً، آراء عالمان مسلمان در این‌باره در گذر زمان دچار چه تحولاتی گردیده‌اند.

۱. مرحله تکوین

خلیل بن احمد (درگذشته ۱۷۵ق) در کتاب *العین* ذیل ماده سجع برای اولین بار به موضوع فواصل و قوافی اشاره نموده (خلیل، *العین*، ۲۴۴)، اما البته به بحث از اقسام حذف در زبان عربی یا امکان وقوع حذف در فواصل نپرداخته است. به نظر می‌رسد نخستین توجهات به امکان حذف کلمات برای مراعات فواصل در آثار شاگرد او سیبویه (درگذشته ۱۸۰ق) قابل‌پی‌جویی است.

۱-۱) دوره مطالعات ادبی

سیبویه، عالم نحوی بصره، نخستین کسی است که به کاربرد شگرد حذف در قرآن برای مراعات فاصله توجه نشان می‌دهد. او در بحث از چیزهایی که می‌توان هنگام وقف بر کلامی

حذف‌شان کرد (بابٌ ما يُحذفُ من أواخرِ الأسماءِ فی الوقف) می‌نویسد:

همه آن‌چه در کلام حذف می‌شود و آن‌چه می‌توان حذف نکرد در فواصل و قافیه‌ها حذف می‌شود. برای حذف در فواصل می‌توان «وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرُّ» (فجر/ ۴)، «ما كُنَّا نَبْعُ» (کهف/ ۶۴)، «يَوْمَ التَّنَادِ» (غافر/ ۳۲)، و «الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ» (رعد/ ۹) را مثال آورد. به هرروی، حذف از اسم‌ها سزاوارتر است؛ زیرا حذف از آن‌ها در غیر فواصل و قافیه‌ها نیز صورت می‌گیرد (سیبویه، *الكتاب*، ۱/ ۳۷۹).

در ادامه، وی ضمن استناد به شعری از زُهَیر بن ابی سلمیٰ (درگذشته ۱۳ق)، از این دفاع می‌کند که در کاربرد قوم عرب حذف فعل در قوافی و اسجاع رایج بوده است، و براین‌پایه، این هنجارشکنی را امری جایز در زبان عربی می‌داند (همان‌جا). غریب آن است که سیبویه عبارت «ما كُنَّا نَبْعُ» را جزو فواصل تلقی می‌کند؛ درحالی‌که این تعبیر برپایه همه قرائات مشهور در وسط آیه جای دارد. به هرروی، دغدغه سیبویه بحث از فواصل و رئوس (کلمه پایان‌بخش) آیات و وقوع حذف در آن‌ها نیست؛ بل که می‌خواهد بداند ضرورت‌هایی مثل توقف گوینده از ادامه کلام چه تأثیری بر حذف حرف یاء از آخر کلمه پایانی می‌تواند داشته باشد.

یک نسل بعد سیبویه، یحیی بن زیاد فراء (درگذشته ۲۰۳ق)، نحوی کوفی، نخستین کسی است که نمونه‌هایی معدود از حذف‌های رخ‌داده برای مراعات آهنگ کلام را برمی‌شمارد و این‌گونه، اشاراتی خفیف به امکان وقوع حذف کلمه‌ای برای مراعات تناسب کلام می‌کند. وی در سخن از آیه «ما وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ» (ضحیٰ/ ۳) دو دلیل برای حذف مفعول فعل «قَلَىٰ» یعنی ضمیر متصل کاف برمی‌شمارد: یکی این‌که کاف در عبارت پیشین ذکر شده است و این گزینه‌ای است برای آن‌که مخاطب متوجه مقصود شود؛ و دیگر این‌که رئوس آیات با یاء پایان پذیرفته است (فراء، *معانی القرآن*، ۲۷۳؛ نیز، برای نمونه‌های دیگر، بنگرید به: فراء، *معانی القرآن*، ۱۳/ ۲۶۰، ۲۹۷).

نحوی بصری معاصر وی اخفش اوسط (درگذشته ۲۱۵ق) نیز دو نمونه از وقوع حذف در هنگام وقف بر سر آیه‌ها را نمونه آورده است. در گفتار او کم‌تر می‌توان اشاره صریحی به وقوع حذف برای مراعات فواصل دید. مثلاً وی می‌گوید حذف ضمیر از آخر کلمه در آیاتی مثل «وَأَيُّهَا فَاتَّقُونِ» (ص/ ۴۱) «يَا لَمَّا يَدُوقُوا عَذَابِ» (ص/ ۸) هنگام وقف بر آیه مشاهده می‌شود (اخفش،

معانی القرآن، ۷۸ / ۱، ۲۵۵). وی می‌افزاید قرائت مشهور قرآن چنین است که حتی در حالت وقف نیز یاء ضمیر از آخر آیه حذف شود (همان، ۷۸-۷۹). گرچه وی تعبیر «فاصله» را در معنای اصطلاحی مورد نظر به کار نمی‌برد، اشارات محدودی به فواصل قرآنی دارد؛ مثلاً آن‌جا که در بحث از «وَتَطْنُونَ بِاللَّهِ الطُّنُونَ» (احزاب/ ۱۰) می‌گوید گاه — برای مراعات تناسب کلام — یاء یا الف به آخر قوافی و رئوس آیات افزوده می‌شود (همان، ۲ / ۴۸۰).

این‌گونه، در اواخر سده ۲ و اوائل سده ۳ ق بحث درباره امکان وقوع حذف در فواصل آیه‌ها در دو مکتب کوفی و بصری نحو با دو نقطه عزیمت مختلف آغاز می‌شود: بصریان می‌خواهند بدانند حروف عله‌ای مثل یاء در اثر بروز عوارضی مثل وقف چه تغییراتی پیدا می‌کند؛ کوفیان نیز می‌خواهند بدانند مراعات تناسب و هم‌آهنگی کلام چه تأثیری بر کلمات پایان‌بخش هر عبارت از قرآن نهاده است.

در نیمه‌های سده ۳ ق ابن قتیبه (درگذشته ۲۷۶ ق) که تحصیلاتی بصری دارد، همانند دیگر عالمان بصره، به فواصل آیه‌ها توجهی نشان نداده، و تنها در یک جا در مقام نقد سخنی از فراء به بحث از آن‌ها کشیده شده است. وی نخست نقل می‌کند که فراء وقوع زیاد در رئوس آیات را با هدف مراعات رسم عربی هم‌آهنگی کلمات پایان‌بخش مجاز می‌داند. سپس در مقام نقد این سخن می‌گوید با فرض این‌که بپذیریم در آیاتی مثل «وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرٍ» (فجر/ ۴) یاء پایان فعل «یَسِرٍ» برای مراعات تناسب رئوس آیات حذف شده است (ابن قتیبه، غریب القرآن، ۴۴۰). وی می‌افزاید چنین حذفی از آن‌رو روا دانسته می‌شود که تأثیری بر معنای آیه نمی‌گذارد و مؤلفه‌های معنایی آن را دچار زیادت و نقصان نمی‌کند. ضمناً، این فایده را دارد که پایان یافتن آیه‌ای و آغاز دیگری با آن مشخص می‌شود. وانگهی، اگر قرار باشد چنین حذفی موجب تغییر در معنای آیه گردد روا دانسته نخواهد بود. پس افزوده شدن کلماتی به عبارت نیز برای مراعات فاصله پذیرفتنی نیست (ابن قتیبه، غریب القرآن، ۴۴۱-۴۴۰).

چنان‌که مشاهده می‌شود تحلیل‌هایی که در این دوره مطرح می‌شود صرفاً تحلیل‌هایی ادبی و لفظی است. هنوز حتی اصطلاح «فاصله» برای اشاره به کلمه پایان‌بخش هر آیه شکل نگرفته است. این نگاه نیز شکل نگرفته که ممکن است وقوع حذف‌هایی برای مراعات فاصله بر معنای آیه‌ها نیز تأثیر گذاشته باشد؛ هر جا نیز شخصیت‌هایی مثل فراء از محتمل بودن چنین امری

گفته‌اند با مخالفت عالمان دیگر مواجه شده‌اند. از نگاه عالمان این دوره، حداکثر ممکن است یک یا چند حرف از کلمه آخر یک آیه برای رعایت توافق و تناسب میان فواصل حذف شود.

۲-۱) دوره مطالعات علم قرائات

سده چهارم دوران اوج شکوفایی علم قرائات و احتجاجات در این مقوله است. در این دوره قاریان توجه بیشتری به امکان وقوع حذف در فواصل آیات نشان داده‌اند؛ زیرا ملاحظه همگونی فواصل از جمله اموری است که در انتخاب یک قرائت و ترجیح آن بر قرائت دیگر و نیز در توجیه آن‌ها نقش داشته است (بنگرید به: محمد، *التوجیه البلاغی للقرائات*، ۴۷۲).

نخستین بار اصطلاح «فاصله» - برای اشاره به کلمه‌ای که میان یک آیه از قرآن با آیه بعدی فصل و جدایی می‌افکند - در اوائل این سده، در آثار زجاج، نحوی بغدادی (درگذشته ۳۱۱ق) به‌کارگرفته می‌شود (بنگرید به: زجاج، *معانی القرآن و اعرابه*، ۱/ ۱۲۱، ۳/ ۲۷۰). با این حال، این اصطلاح تا اواخر سده هم‌چنان کم‌کاربرد و ناشناخته است (برای شواهد گسترش کاربرد این اصطلاح در اواخر سده ۴ق، بنگرید به: حلیمی، *المنهاج*، ۲/ ۲۵۵-۲۴۹).

روی داد شایان توجه دیگر در اوائل همین سده تغییری است که در نگرش‌ها نسبت به وقوع حذف در رئوس آیات برای مراعات آهنگ کلام روی داده است. محمد بن عبدالعزیز سجستانی (درگذشته ۳۳۰ق) در تحلیل حذف یاء ضمیر متکلم مفعولی از آخر فعل در «وإیای فَاذْهَبُونِ» (بقره/ ۴۰) می‌گوید حذف آیه به‌خاطر آن روی داده که یاء جزو رئوس آیه است و در رئوس آیات باید وقف کرد؛ وانگهی، وقف بر یاء ثقیل بوده، و از این رو یاء حذف گردیده و با کسره از آن استغناء جسته شده است (سجستانی، *نزهة القلوب*، ۱۲۰). از شیوه گفتار وی می‌توان دریافت به نظر می‌رسد اکنون دیگر مخاطبان بحث او هم‌چون مخاطبان ابن قتیبه وقوع چنین نوعی از حذف را در حد یک احتمال نمی‌بینند.

طبقه بعد عالمان قرائت در این سده هم‌چون ابن خالویه (درگذشته ۳۷۰ق) و ابوعلی فارسی (درگذشته ۳۷۷ق) توجهی بیش‌تر از متقدمان به تأثیراتی نشان داده‌اند که فواصل بر قرائات قرآنی می‌توانند بگذارند. به نظر می‌رسد اکنون دیگر از نظر ایشان هم‌شکلی و مراعات تناسب فواصل معیار مقبولی برای ترجیح قرائات است (بنگرید به: ابن خالویه، *اعراب القرائات السبع*، ۲/ ۲۶۲، ۴۳۵، ۴۷۸؛ ابوعلی فارسی، *الحججه*، ۴/ ۱۱۴ به بعد، ۳۷۳).

برای نمونه، ابن خالویه در استدلال بر ترجیح قرائت حذف یاء «کیدونی» در آیه «فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُوا» (مرسلات / ۳۹) می‌گوید این کلمه فاصله (جداکننده) آیه از آیه دیگر است (ابن خالویه، *الحججه*، ۱۶۹). ابوعلی فارسی تأکید می‌کند که فاصله در *قرآن* هم چون قافیه در شعر است و هم چنان که قافیه آخر هر بیت را نمایان می‌کند، فاصله نیز آخر هر آیه را مشخص می‌سازد (ابوعلی فارسی، *الحججه*، ۴ / ۱۱۵). در همین دوره توسعه بحث‌ها درباره فواصل آیات به شکل‌گیری مفهوم جدید «شبه فاصله» می‌انجامد. استعمال این تعبیر در آثار مختلف ابن فارسی دیده می‌شود. او هر کلام تام را در *قرآن* «شبه فاصله» می‌شناساند و می‌کوشد قواعد فاصله را بر آن منطبق کند (بنگرید به: ابوعلی فارسی، *الحججه*، ۴ / ۱۱۵).

نکته مهم دیگری که سبب می‌شود این رأی پذیرفتنی‌تر به نظر برسد موافقت آن با رسم مصحف است. از سده ۳ق و پس از تأکیدات طبری (درگذشته ۳۱۰ق) بر ضرورت توجه به شیوه نگارش مصحف، رسم مصحف در این دوره هم‌چون معیاری برای سنجش قرائات پذیرفته شده است (برای کهن‌ترین اشاره‌ها به اهمیت رسم مصحف، بنگرید به: طبری، *جامع البيان*، ۱۶ / ۴۲۵). وقتی حرف یاء ضمیر مفعولی یا دیگر حروف مشابه آن در رسم مصحف موجود نباشند، قرائت قاریانی که به ابقاء آن رأی داده‌اند و دلالتی که برمی‌شمارند کم‌تر می‌تواند از نظر عامه عالمان پذیرفتنی به نظر برسد (برای تصریح به این معنا، بنگرید به: ابن زنجله، *حجة القرائات*، ۷۶۱).

به هر روی، با مرور آثار عالمان متأخرتر قرائت می‌توان دریافت که با فاصله اندکی از عصر ابن خالویه و ابوعلی فارسی این دیگر یک امر مسلم انگاشته می‌شود که وقوع حذف در رئوس آیات برای مراعات فاصله، یعنی جدا شدن آیات از هم‌دیگر بوده است. برای نمونه، در کتاب *اعراب القرآن* مکی بن ابی‌طالب قیسی (درگذشته ۴۳۷ق) – که البته به اشتباه به زجاج (درگذشته ۳۱۱ق) – منسوب شده است، بحثی دیده می‌شود درباره این که ممکن است گاه برخی حروف عله از کلمات یک آیه حذف شوند؛ زیرا حروف عله از حیث قابلیت حذف‌شان هم‌چون حرکات اعرابی اند: «باب ما جاء فی التنزیل من الحروف المحذوفة تشبیها بالحركات» (مکی، *اعراب القرآن*، ۳ / ۸۳۹-۸۳۸).

گویی در این دوره عالمان قرائت نیاز دارند قواعد و معیارهایی برای مشخص کردن مرز

آیه‌ها با هم‌دیگر تعریف کنند. آن‌ها به تناسب کلمات هم‌چون معیار نیکویی می‌نگرند که می‌تواند مرز آیه‌ها را مشخص کند. این‌گونه، می‌کوشند — با بهره‌جویی از امکان وقوع پدیده‌هایی مثل حذف در کلام — از مرزهای مشخص آیات قرآن دفاع کنند. آن‌ها در کوشش برای دفاع از وقوع چنین حذفی به آرایه‌های لفظی و معنوی متعددی هم‌چون ضرورت کاستن از ثقل کلمات در هنگام وقف، امکان نهادن حرکت به جای حروف عله، و امثال آن‌ها استناد می‌کنند. هنوز کسی احتمال نمی‌دهد که بعضی از موارد وقوع حذف برای ایجاد معنای بخصوصی روی داده باشد.

۳-۱) دوره راهیابی بحث به تفاسیر متکلمانه

ملاحظات و نظریه‌پردازی‌های عالمان قرانات که با هدف بازنمودن ملاکی مشخص برای تعیین مرزهای آیات صورت می‌گیرد عملاً فاصله را چیزی از جنس قافیه و سجع می‌شناساند. از این‌رو، ضرورت می‌شود متکلمانی هم در دفاع از بی‌مانندی قرآن برآیند و تمایزات کاربرد سجع در شعر و فاصله در قرآن را تبیین کنند. این‌گونه، به‌تدریج در اواخر سده ۴ ق نگاه زیبایی‌شناختی به فواصل پدید می‌آید.

برای نمونه، علی بن عیسی رمانی (درگذشته ۳۸۴ ق)، ادیب و متکلم و مفسر معتزلی بغداد، در بحث از اعجاز قرآن بابتی جداگانه به فواصل و ارزش زیبایی‌شناختی آن‌ها اختصاص می‌دهد. وی در این بحث‌ها تأکید می‌کند فرق مهم فاصله‌های قرآن با سجع نثر و قافیه شعر در این است که در نثر و شعر همواره معنا تابع سجع و قافیه است؛ اما در قرآن همواره این معناست که بر انتخاب فاصله‌ها تأثیر می‌گذارد (رمانی، *النکت*، ۹۷).

از این‌پس توجهات به وقوع حذف در فواصل آیات گسترش پیدا می‌کند و فراتر از کتب علم قرانات، به تفاسیر مختلف نیز کشیده می‌شود. مفسران با روش‌ها و گرایش‌های تفسیری متنوع به بررسی اسباب و علل وقوع حذف در فواصل آیات می‌پردازند. از جمله این مفسران شیخ طوسی (درگذشته ۴۶۰ ق) است. وی آشکارا در نگاه خود به فواصل آیه از ابوعلی فارسی تأثیر پذیرفته است و این را مُسَلَّم می‌داند که فواصل در مشخص کردن جمله‌بندی‌های قرآن کارکرد مهمی دارند (برای اشاره خود وی به این معنا، بنگرید به: طوسی، *التبیان*، ۵/ ۵۹).

فراتر از کارکرد فاصله در تعیین حدود آیه، شیخ طوسی — احتمالاً متأثر از رمانی — به

ارزش زیبایی‌شناختی فواصل هم توجه دارد. برای نمونه، در بحث از «عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ» سه دیدگاه را درباره ابقاء یا حذف یاء در کلمه پایانی آیه یاد می‌کند: یکی این که یاء چه هنگام وقف و چه هنگام وصل محذوف است، دیگر این که یاء را در هنگام وصل باید خواند و در هنگام وقف آن را باید حذف کرد، و سوم، این دیدگاه که باید یاء را در هر حال خواند. وی سپس اختلاف نظرهای نحویان در این باره را بیان می‌دارد و نتیجه می‌گیرد بر پایه قواعد نحوی آن چه پذیرفتنی‌تر به نظر می‌رسد ابقاء یاء است؛ نه حذف آن:

... این که یاء در اسم منقوص دارای الف و لام را هنگام وصل حذف کنند مطابق با قاعده نیست؛ زیرا هیچ اضطراری برای حذف «یاء» وجود ندارد. باین حال، به این دلیل که عرب تلفظ حرکات ضم و کسر را در حرف «یاء» ثقیل می‌داند، این حرف را در حالت وصل نیز مانند فواصل و شبه فواصل حذف می‌کند طوسی، *التبیان*، ۶/۲۲۳).

باین حال، در ادامه به تأثیر حذف یاء بر تناسب کلام و مراعات فواصل توجه نشان می‌دهد و از منظر ارزش زیبایی‌شناختی چنین حذفی، آن را پذیرفتنی‌تر می‌داند (همان‌جا؛ برای نمونه‌های مشابه، بنگرید به: همان، ۲/۴۳۸، ۵/۵۹، ۶/۹۱، جاهای مختلف).

فراتر از توجه شیخ طوسی به ارزش زیبایی‌شناختی فواصل و لزوم راه‌یابی تغییراتی در کلام برای حفظ این ارزش نیز، چه بسا بتوان گفت وی وقوع حذف در فواصل *قرآن* را افاده‌کننده معنایی بخصوص نیز می‌دانسته است. وی در جایی می‌گوید *قرآن* در بالاترین درجه بلاغت است و این بلاغت اقتضاء می‌کند که در نهایت انسجام و بدون هیچ‌گونه تنافر در تألیف لفظ و معنا باشد. وی می‌افزاید حتی پیایی شدن کلماتی مشابه در فواصل نیز دارای معناست و هیچ‌گونه تصریف و حذف و اضافه‌ای در *قرآن* رخ نمی‌دهد؛ مگر آن که معنایی در آن نهفته باشد (شیخ طوسی، *التبیان*، ۶/۹۲).

قدری متأخرتر، باز یک مثال این توسعه توجهات متکلمان را در تفسیر فخر رازی (درگذشته ۶۰۶ق) می‌توان یافت. وی در کل توجهات اندکی به وقوع حذف در فواصل نشان می‌دهد (برای نمونه‌ها، بنگرید به: فخر رازی، *التفسیر الکبیر*، ۲۷/۵۱۲، ۳۱/۱۵۱). باین حال، سخن نوآورانه‌ای در تبیین ارزش معنایی حذف دارد که در دوره‌های بعد زمینه را برای توسعه بحث از علل حذف آماده می‌کند. او درباره ضرورت حذف کاف ضمیر مفعولی متصل به فعل «قَلَى»

در «مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى» (ضحیٰ/ ۳) می‌گوید چنین حذفی موجب توسعه گستره معنایی آیه می‌شود (فخررازی، همان، ۳۱/ ۱۹۲).

۴-۱ جریان موازی: رویکردهای زیبایی‌شناسانه مفسران

به موازات مفسرانی که می‌کوشند در کاربرد حذف در فواصل قرآن مضمونی برای توسعه مباحث کلامی خود بجویند، مفسرانی را نیز می‌توان بازشناخت که بیش‌تر رویکرد زیبایی‌شناختی به بحث دارند. یکی از این شخصیت‌ها که در آثار وی اصطلاح «مراعات فواصل» برای نخستین بار، و البته پرتکرار به‌کارگرفته می‌شود تاج‌القراء محمود بن حمزة بن نصر کرمانی (درگذشته بعد از ۵۳۱ق) است (بنگرید به: تاج‌القراء، البرهان، ۶۳، ۲۴۸؛ همو، لباب التفاسیر، ۲۲۳۰).

یک شخصیت شایان توجه دیگر از این قبیل زمخشری (درگذشته ۵۳۸ق) است. وی گرچه مصادیق کم‌تری از وقوع حذف در فواصل را مرور کرده، توجیحات متنوع‌تری برای وقوع چنین حذفی برشمرده است. برپایه دیدگاه وی، هرگاه ضرورتی زیبایی‌شناختی اختصار لفظ یا تغییر آن را اقتضاء کند (مثلاً کاربرد تبتیلاً به جای تبتلاً در آیه ۸ سوره مزمل)، معنای واژه محذوف آشکار باشد، یا حرکتی جای‌گزین آن شود (مثلاً جای‌گزینی کسره به جای یاء در «المتعالم») منعی ندارد که حذفی در فواصل روی دهد (بنگرید به: زمخشری، الکشاف، ۴/ ۶۳۹، ۷۶۶).
 باین حال، وی معتقد است حذف یاء و استغناء از آوردن آن با اکتفاء به کسره در زبان عربی امری شناخته، و دست‌کم در لهجه قبیله هذیل امری معمول بوده است (همان، ۲/ ۴۲۹).
 براین پایه، وی وجهی در اختصاص این پدیده به فواصل آیات نمی‌بیند.

مفسر شیعی معاصر وی فضل بن حسن طبرسی (درگذشته ۵۴۸ق) نیز به کارکرد حذف‌ها در فواصل توجه نشان داده است (برای نمونه از توجهات او، بنگرید به: طبرسی، مجمع البیان، ۱/ ۲۰۵، ۴/ ۷۴۰، ۸/ ۵۲۹). وی می‌کوشد از این دیدگاه دفاع کند که حذف حروف عله آخر کلمات در هنگام وقف جایز، و در هنگام وصل ممنوع است. او در مقام دفاع از این دیدگاه، تبیین نوینی از نظر سجستانی در نزهة القلوب و شیخ طوسی در تبیان — که می‌گفتند ثقل حرف عله در هنگام وقف حذف آن را ضروری می‌کند — ارائه می‌دهد. برپایه تبیین او، حذف حروف عله اولاً تنها در فواصل آیات روی نمی‌دهد و در قوافی نیز چنین است؛ ثانیاً، سبب

چنین حذفی چیزی جز همان سبب اصلی حذف حروف در دیگر مواقع اعلال کلمات نیست: وقتی کلمه‌ای در فاصله‌ای یا قافیه شعر جا می‌گیرد:

... چون قوافی و فواصل در موضع وقف هستند و وقف نیز موضع تغییر است، هر زمان که وقف صورت گیرد حروف صحیح به سمت تضعیف، اسکان و میل حرکت می‌روند (طبرسی، *مجمع البیان*، ۱۰/۷۳۳).

چنان‌که مشهود است، زمخشری و طبرسی کم‌تر به معنایی که حذف کلمات از فاصله می‌تواند افاده کند توجه نشان داده، و در صدد توسعه بینشی که شیخ طوسی بنا نهاد بر نیامده‌اند. باین حال، به نظر می‌رسد که توجهات به ارزش معنایی وقوع حذف در فواصل رو به افزایش است. خلاصه همین بحث‌ها را در تفاسیر آموزشی هم‌چون تفسیر قرطبی و بیضاوی می‌توان دید؛ آثاری که در اصل خلاصه‌ای از تفاسیر مختلف برای آموزش به طالبان علم بوده‌اند.

مثلاً قرطبی (درگذشته ۶۷۱ق) در تفسیر خود به اسباب وقوع حذف در فواصل آیات می‌پردازد؛ باین حال، او نیز هم‌چون مفسران پیش از فخر رازی اعتقاد یا دست‌کم توجهی به تأثیر فاصله بر معنا ندارد. او می‌پذیرد که مراعات فاصله و مرز نهادن میان آیه گاه چنین حذفی را اقتضاء می‌کند (قرطبی، *الجامع لاحکام القرآن*، ۲/۱۷۲، ۹/۲۲۲). هم‌چنین، هم‌سو با طبرسی معتقد است گاه تغییرات صرفی حادث در کلمه به سبب موقعیت خاص آن در جمله اقتضاء می‌کند که از آن حرفی حذف شود؛ چنان‌که مثلاً در آیه ۴ سوره فجر، یسری از همین رو به یسر تغییر یافته است (همان، ۲۰/۴۳).

یک نمونه دیگر از توسعه تدریجی بحث درباره حذف‌ها در فواصل آیات را می‌توان در تفسیر بیضاوی (درگذشته ۶۸۵ق) دید. وی به گونه متفاوتی از وقوع حذف در فواصل توجه نشان می‌دهد: حذف کلمه‌ای کامل و به تقدیر کلام بردن آن برای مراعات فاصله. وی ذیل آیه ۷۰ سوره مائده در عبارت «فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ» توضیح می‌دهد مفعول هردو فعل کَذَّبُوا و يَقْتُلُونَ کلمه محذوف و مُقَدَّرٌ رُسُلًا است. سبب حذف آن از ظاهر کلام نیز به زعم او موافقت با رؤس آیات بوده است (بیضاوی، *التفسیر*، ۲/۱۳۷). این رویکرد او نیز بالقوه می‌تواند ظرفیت گسترده‌ای برای بسط مصادیق حذف با هدف ایجاد معنا پدید آورد.

۲. مرحله توسعه

در این مرحله نمونه‌های وقوع حذف در فواصل به صورت گسترده‌تری در آثار مفسران و عالمان علوم قرآن تحت ابواب و عناوینی هم‌چون اسباب الحذف، معرفة الفواصل یا رؤوس الآیه به بحث گذاشته می‌شود.

۲-۱) دوره شکل‌گیری کتب جامع علوم قرآن

در حدود سده ۸ق، یعنی همان زمان که مطالعات پراکنده قرآنی به تدریج شکل منسجم‌تری پیدا می‌کردند و در آثاری مثل البرهان زرکشی (درگذشته ۷۹۴ق) کنار هم دیده می‌شدند، آراء و نظریات جدیدی در تعیین مصادیق و تبیین علل وقوع حذف در فواصل در کتب مفسران و عالمان علوم قرآن مطرح می‌شود. برای نمونه، ابن‌وجیه (درگذشته ۷۴۰ق) در کتاب *الکنز فی قرائات العشر فصلی* مجزا با عنوان «فصل فی الیاء الّتی بعدها متحرک و هی رأس آیه» را به بحث درباره مصادیق حذف یاء در فواصل اختصاص می‌دهد و ۸۱ مورد از چنین حذفی را در قرآن برمی‌شمارد (ابن‌وجیه، *الکنز*، ۱/ ۳۸۶).

معاصر وی سَمینِ حَلَبی (درگذشته ۷۵۶ق) نیز در تفسیر خود گونه‌های جدیدی از حذف در فواصل را برشمرده است؛ مثلاً یکی از اقسام چنین حذفی را حذف مخصوص به ذم می‌شناساند که در آیاتی مثل «فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ» (بقره/ ۲۰۶) روی داده است. وی در این عبارت «جهنم» - خیرِ بئس - را مخصوص به ذمّ محذوف می‌داند و علت نیکو بودن حذف صورت گرفته را نیز، مراعات فواصل بیان می‌کند (سمین، *الدر المصون*، ۱/ ۵۰۸).

یک نسل بعد، ابن‌عادل (درگذشته ۷۷۵ق) این قاعده را پیش‌نهاد می‌کند که هر جا فواصل آیات با نون وقایه همراه شد، یاء ضمیر از مقطع فاصله حذف می‌شود (بنگرید به: ابن‌عادل، اللباب، ۲/ ۵۲۹، ۵/ ۱۱۱). معاصر وی ابن‌صائغ (درگذشته ۷۷۶ق)، نحوی و ادیب مصری نیز، در کتاب *احکام الرأی فی احکام الآی* تغییرات و دگرگونی‌های پایان آیات را در ۴۰ گروه تقسیم‌بندی می‌کند. کتاب ابن‌صائغ در دست‌رس نیست؛ اما سیوطی این ۴۰ حکم را در *الاتقان* نقل کرده است (سیوطی، *الاتقان*، ۳/ ۳۳۲ به بعد). برپایه گزارش سیوطی، ابن‌صائغ در موارد ششم، هفتم، هشتم، نوزدهم و بیست‌وششم به حذف در فواصل آیات اشاره می‌کند.

غالب مواردی که او بازشناخته، نوآورانه است. برای نمونه، در مورد نوزدهم به حذف متعلّقِ افعالِ تفضیل در عباراتی مثل «يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى» (طه / ۷) و «خَيْرٌ وَأَبْقَى» (اعلی / ۱۷) یاد می‌کند که در نوع خود جدید است.

در اواخر سده ۸ ق هم زرکشی (درگذشته ۷۹۴ ق) در *البرهان* خود فصلی با عنوان *معرفة الفواصل* و رؤوس الآیة به حذف در فواصل آیات می‌پردازد (زرکشی، *البرهان*، ۱ / ۵۳ به بعد). وی در این باب ۲۰ مورد از تغییرات فواصل آیات *قرآن* را در ذیل ۱۲ دسته گنجانده، و در ضمن دومین دسته به وقوع حذف برای مراعات فواصل اشاره نموده است (همان، ۱ / ۵۴). زرکشی در باب دیگری نیز که درباره اسباب حذف می‌پردازد نیز، یکی از علل حذف را رعایت فاصله ذکر می‌کند (۳ / ۱۰۵). سخنان وی درباره ارتباط حذف و مراعات فاصله البته نوآورانه نیست؛ اما در واقع باید او را کسی دانست که تأثیر حذف بر فواصل را در کنار دیگر امور عارض بر فواصل آیات به نحو جامعی بررسی کرده است.

از آن به بعد تا پایان هزاره همین روند ادامه پیدا می‌کند و در آثار تخصصی مرتبط با علوم *قرآن* مصادیق جدیدی برای حذف در فواصل، و تعلیل‌های جدیدی هم از این پدیده بازنموده می‌شود. برای نمونه، ابن عادل (درگذشته ۸۸۰ ق) در تفسیر خود به گونه‌های بدیعی از ساختار حذف در فواصل آیات مانند حذف اسم مخصوص به مدح و حذف عائد صله اشاره می‌کند (ابن عادل، *اللباب*، ۱۴ / ۱۶۰، ۱۵ / ۳۵۵). یک سده بعد ابوالسعود (درگذشته ۹۸۲ ق) نیز در تفسیر خود به حذف در فواصل آیات *قرآن* پرداخته، و مانند ابن عادل به حذف عائد صله توجه داشته است (ابوالسعود، *التفسیر*، ۵ / ۱۰۵).

با این همه، در سراسر این دوره، یعنی از اوائل سده ۸ ق تا پایان هزاره نخست هجری اشارات مفسران به وقوع حذف در فواصل اندک، و منحصر در مصادیقی است که عالمان ادوار کهن یاد کرده‌اند (برای نمونه، بنگرید به: نظام‌الدین نیشابوری، *غرائب القرآن*، ۶ / ۵۱۵؛ ابن جزّی کلبی، *التسهیل*، ۲ / ۴۹۰؛ خازن، *التفسیر*، ۴ / ۴۳۷؛ کاشانی، *منهج الصادقین*، ۱ / ۲۳۲، ۱۰ / ۲۷۱؛ شربینی، *التفسیر*، ۲ / ۵۳۹، ۴ / ۶۳۳).

در این دوره مطالعات صورت‌گرفته درباره حذف در فواصل به بحثی مستقل با مصادیق پرشمار تبدیل می‌شود که لازم است عالمان علوم *قرآن* در کنار دیگر مسائل مربوط به فواصل

آیات باید به آن توجه کنند. این دوره با پذیرش عام این تفکر که «برای مراعات فاصله وقوع حذف در آیه جانز است» آغاز شده بود؛ اما در آغاز آن مصادیق اندکی برای وقوع چنین حذفی می‌شناختند. اکنون در پایان این دوره گونه‌های متنوعی از وقوع حذف — مانند حذف اسم مخصوص به ذم، حذف عائد صله، حذف متعلق افعل تفضیل و امثال آن‌ها — شناخته شده بودند که سبب وقوعشان همین مراعات فاصله انگاشته می‌شد.

۲-۲) مطالعات تکمیلی در هزاره دوم هجری

از آغاز هزاره دوم هجری تا دوران معاصر هم گونه‌های متنوع‌تری از وقوع حذف در فواصل آیات شناسایی شده‌اند، هم تحلیل‌ها از نمونه‌های پیشین تنوع بیش‌تر یافته است. در نیمه سده ۱۱ق، شهاب‌الدین خفاجی (درگذشته ۱۰۶۹ق) گرچه گونه جدیدی از حذف در فواصل را بازنمی‌نماید، برای گونه‌های یادشده در آثار پیشین هم چون حذف مفعول، حذف مضاف‌الیه، و حذف عائد صله مصادیق متعددی در قرآن می‌یابد (بنگرید به: شهاب‌الدین خفاجی، الحاشیه، ۵۲۴/۶، ۱۸۰/۷، ۲۶۰).

شریف لاهیجی (درگذشته ۱۰۹۰ق)، عالم شیعه دوره صفوی که رویکردی روایی به تفسیر دارد، می‌کوشد نمونه‌هایی از وقوع حذف در فواصل را مستند به ادله‌ای روایی کند (برای نمونه، بنگرید به: شریف لاهیجی، تفسیر، ۸۰/۱، ۷۷۶/۴). احمد بن محمد بنّاء (درگذشته ۱۱۱۷ق)، عالم مصری نیز، ۸۶ مورد حذف یاء با إعراب جرّ یا نصب را در فواصل بازمی‌شناساند (بناء، اتحاف فضلاء البشر، ۱۵۲-۱۵۸). رویکردی مشابه را در تفسیر حقی (درگذشته ۱۱۳۷ق) می‌توان دید که در کنار توجهات معمول به وقوع حذف در فواصل (برای نمونه، بنگرید به: حقی، روح البیان، ۴۲۱/۱۰)، به حذف جار و مجرور برای مراعات فواصل اشاره می‌کند (بنگرید به: همان، ۳۹۱/۵، ۱۸۰/۸، ۴۵۴/۱۰).

در سده ۱۲ق، سلیمان جمل (درگذشته ۱۲۰۴ق) به وجوه مختلف حذف در فواصل اشاره می‌کند (بنگرید به: جمل، الفتوحات الإلهیه، ۳۸۷/۱، ۲۱۴/۴). وی در روش تفسیری خود در بیان علل حذف، توجه و اهمیت ویژه‌ای را برای رعایت فاصله و ایقاع موسیقی قرآن در فواصل قائل است. برای نمونه، وی ذیل آیه «قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَى» (طه/۴۹) علت حذف نداء «یا هارون» در ادامه کلام را رعایت فاصله عنوان می‌کند؛ زیرا آیات قبل و بعد این آیه با

حرف «یا» ختم می‌شود (جمل، الفتوحات، ۷/۷۵).

در سده ۱۳ق نیز، آلوسی (درگذشته ۱۲۷۰ق) به علل حذف در فواصل توجه نشان داده (برای نمونه، بنگرید به: آلوسی، روح المعانی، ۱/۲۴۵، ۴/۸۳، ۱۵/۳۷۵، ۳۳۶)، و گونه‌های جدیدی از حذف در فواصل را مانند حذف صفت، حذف فاعل و حذف معدود عدد بازشناخته است (همان، ۸/۴۸۵، ۱۲/۲۰۴). مثلاً وی در «يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ» (ص/۵۱) معتقد است صفت «کثیره» برای شراب از ظاهر کلام حذف شده است تا فاصله مراعات شود (آلوسی، روح المعانی، ۱۲/۲۰۴).

۳-۲) زمینه‌های توسعه بحث

به نظر می‌رسد هنوز بحث درباره وقوع حذف در فواصل آیات و اسباب و علل آن زمینه‌های گسترده‌ای برای توسعه پیش رو دارد. چنان‌که دیدیم، عالمان متقدم هم چون سیبویه وقوع حذف در عباراتی وسط آیات را از قبیل حذف در فواصل انگاشته بودند؛ امری که ظاهراً پشتوانه‌ای در قرائات قرآنی ندارد. باین حال، یک پرسش مهم در این زمینه می‌تواند همین باشد که امثال سیبویه چه درکی از مقاطع و فواصل و رئوس آیه‌ها داشتند.

چنان‌که دیدیم، عالمان متأخرتری هم چون زمخشری دو وجه برای حذف در فواصل برمی‌شمردند: زیباتر شدن کلام با مختصرتر شدن لفظ، و امکان اکتفاء به حرکت به جای لفظ. به طبع چنین دلائلی از نظر مفسران دیگر نمی‌تواند همیشه و در سخن از همه موارد وقوع حذف در فواصل پذیرفتنی باشد. چنین بیانی بیش‌تر سلبی است تا ایجابی، و وجوه بلاغی متن قرآن را بازنمی‌نمایاند. از نگاه زیبایی‌شناختی، حفظ موسیقی و ضرب‌آهنگ قرآن با رعایت فواصل امری مهم است؛ اما زمخشری در تفسیر خود به آن توجهی ندارد.

مفسران بعد از وی بیش‌تر به قواعد لفظی و ادبی توجه نشان می‌دهند؛ اما غالباً مستندی برای دیدگاه خود ارائه نمی‌کنند و به امکان وقوع حذف برای مراعات فاصله در حد یک احتمال تفسیری می‌نگرند؛ احتمالی که معمولاً قابلیت تبدیل به قاعده‌ای عام را ندارد و می‌شود مثال‌های نقض متعددی نیز برای آن یافت. مثلاً، چنان‌که یاد شد، برخی مفسران گفته‌اند اسم مخصوص به ذم برای مراعات فواصل حذف می‌شود (سمین، الدر المصون، ۱/۵۰۸)؛ باین حال، پاسخی به این پرسش نداده‌اند که چرا چنین حذفی در عبارت «بَسَّ الشَّرَابُ

وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا» (کهف/ ۲۹) و برای مخصوص به ذم فعل بس روی نداده است. بی‌تردید مراعات فواصل نمی‌تواند به‌تنهایی دلیل کافی برای حذف کلمه باشد و دلایل و وجوه دیگری را نیز باید در نظر گرفت. گذشته‌ازاین، صرف بیان علل ادبی و بیان علت‌هایی همچون اکتفاء به حرکت، بلیغ‌تر بودن اختصار، ظهور محذوف، رعایت فواصل و این قبیل موارد نمی‌توانند همواره برای توجیه علل حذف کفایت کنند.

به‌همین ترتیب، آن‌جا که مثلاً ابن‌عادل میان حذف یاء و کاربرد نون وقایه در فاصله‌ها رابطه‌ای می‌بیند، نمی‌توان چنین رابطه‌ای را بر اسلوب بیانی *قرآن* تعمیم‌پذیر دانست. اولاً، در آیات *قرآن* موارد بسیاری وجود دارد که بعد از نون وقایه در پایان افعال «یاء» ثابت مانده است؛ مثل *تُجَادِلُونِي* (اعراف/ ۷۱)، *يَقْتُلُونِي* (اعراف/ ۱۵۰)، و *تَزِيدُونِي* (هود/ ۶۳). ثانیاً، حذف ضمیر *مُحَلِّي* به نون وقایه در غیر فواصل نیز مشاهده می‌شود: *أَتَمِدُونِي* (نمل/ ۳۶).

نتیجه

مطالعهٔ ما نشان داد سیبویه اولین عالمی است که به وقوع حذف در فواصل توجه نشان داده است. پس از او وقوع حذف در فواصل در دو مکتب نحوی کوفه و بصری با دو هدف متفاوت مورد توجه واقع شده است. سپس عالمان قرانات، کلام و نویسندگان متون تفسیری هریک به نحوی کوشیده‌اند وقوع حذف در فواصل را تعلیل کنند. از سدهٔ هشتم به بعد نیز هم‌زمان با شکل‌گیری آثار جامع علوم *قرآن* کوشش‌ها برای مصداق‌یابی حذف در فواصل، و هم تلاش‌ها برای قاعده‌یابی این حذف‌ها شکل گسترده‌تری به خود گرفته، و البته قاعده‌سازی‌ها نیز همواره با مشکلات نظری روبه‌رو بوده است. نکتهٔ مهم و شایان توجه دیگر آن است که به نظر می‌رسد بحث از اسباب و علل وقوع حذف در فواصل *قرآن* هنوز به وضوح کافی نرسیده، و لازم است مطالعات تکمیلی برای شناخت این اسباب و علل و ارائهٔ تحلیل‌های دقیق‌تر صورت گیرند.

منابع

- ١- قرآن کریم.
- ٢- آخوندی، علی اصغر، «بررسی تطبیقی فاصله قرآنی»، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، سال یازدهم، شماره ٤٤، تابستان ١٣٩٥ ش.
- ٣- ابن جزی، محمد بن احمد، التسهیل، بیروت، دارالارقم، ١٤١٦ق.
- ٤- ابن خالویه، حسین بن محمد، اعراب القرائات السبع، قاهره، مكتبة الخانجي، ١٤١٣ق.
- ٥- ابن خالویه، حسین بن محمد، الحجة فی القراءات السبع، بیروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٢١ق.
- ٦- ابن زنجله، عبدالرحمان بن محمد، حجة القرائات، به كوشش سعيد افغانی، قاهره، دار الرسالة.
- ٧- ابن عادل، عمر بن علی، اللباب فی علوم الكتاب، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤١٩ق.
- ٨- ابن قتیبه، عبدالله مسلم، غریب القرآن، به كوشش احمد صقر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٣٩٨ق.
- ٩- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ١٤١٤ق.
- ١٠- ابن وجیه، عبدالله بن عبدالمومن، الكنز فی قرائات العشر، قاهره، مكتبة الثقافة الدينية، ١٤٢٥ق.
- ١١- ابوالسعود، محمد بن محمد، التفسیر، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ١٩٨٣م.
- ١٢- ابوعلی فارسی، حسن بن محمد، الحجة للقراء السبعه، بیروت، دارالمأمون للتراث، ١٤١٣ق.
- ١٣- اخفش، سعید بن مسعده، معانی القرآن، به كوشش هدی محمود قراعه، قاهره، مكتبة الخانجي، ١٤١١ق.
- ١٤- ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ٢٠٠١م.
- ١٥- آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی، به كوشش علی عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤١٥ق.
- ١٦- باقلانی، محمد بن طیب، اعجاز القرآن، قاهره، دارالمعارف.

- ۱۷- برزین، سمیه و دیگران، «اسرار بلاغی حذف فعل در قرآن کریم و نقد ترجمه‌های فارسی آن»، پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ش، ص ۱-۱۹.
- ۱۸- بناء، احمد بن محمد، *اتحاف فضلاء البیشر*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
- ۱۹- بیضاوی، عبدالله بن عمر، *انوار التنزیل*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
- ۲۰- تاج‌القراء، محمود بن حمزه، *البرهان فی توجیه متشابه القرآن*، به کوشش عبدالقادر احمد عطا، قاهره، دارالفضیله.
- ۲۱- تاج‌القراء، محمود بن حمزه، *لباب التفاسیر*، ضمن رساله دکتری ابراهیم بن محمد بن حسن دومری، دانشکده اصول دین، دانشگاه اسلامی محمد بن سعود ریاض، ۱۴۲۹ق.
- ۲۲- جمل، سلیمان بن عمر، *الفتوحات الإلهیه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۷ق.
- ۲۳- حسناوی، محمد، *الفاصله فی القرآن*، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۴۰۶ق.
- ۲۴- حقی، اسماعیل بن مصطفی، *روح البیان*، بیروت، دارالفکر.
- ۲۵- حلیمی، حسین بن حسن، *المنهاج*، به کوشش حلمی محمد فوده، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۹ق.
- ۲۶- خازن، علی بن محمد، *لباب التاویل*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ۲۷- خفاجی، احمد بن محمد، *الحاشیه علی تفسیر البیضاوی*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
- ۲۸- خلیل بن احمد، *العین*، به کوشش مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۰م.
- ۲۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، به کوشش ندیم مرعشلی، قاهره، دارالکاتب العربی، ۱۳۹۲ق.
- ۳۰- رمانی، علی بن عیسی، *النکت فی اعجاز القرآن*، ضمن ثلاث رسائل فی القرآن، قاهره، دارالمعارف، ۱۳۸۷ق.
- ۳۱- زجاج، ابراهیم بن سری، *معانی القرآن و اعرابه*، به کوشش عبدالجلیل عبده شلبی، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۸ق.
- ۳۲- زرکشی، محمد بن عبدالله، *البرهان*، قاهره، چاپ‌خانه حلبی، ۱۳۷۶ق.
- ۳۳- زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف*، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.

- ۳۴- سجستانی، محمد بن عزیز، *نزهة القلوب*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۰ق.
- ۳۵- سمین، احمد بن یوسف، *الدر المصون*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
- ۳۶- سیبویه، عمرو بن عثمان، *الکتاب*، قاهره، مکتبه الخانجی، ۱۴۰۸ق.
- ۳۷- سیدی، سیدحسین و صحراپی، فاطمه، «جلوه‌های بلاغت حذف در قرآن»، *مطالعات تاریخی قرآن و حدیث*، شماره ۴۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۹ش، ص ۶۷-۸۸.
- ۳۸- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی‌بکر، *الاتقان*، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، هیئة المصریة العامة للکتاب، ۱۳۹۴ق.
- ۳۹- شریف لاهیجی، محمد بن علی، *تفسیر*، تهران، نشر داد، ۱۳۷۳ش.
- ۴۰- شهبازی، محمود و شهبازی، اصغر، «کارکردهای زیباشناختی ایجاز حذف در قرآن کریم»، *پژوهش‌های زیباشناختی قرآن*، سال دوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲ش، ص ۵۵-۶۸.
- ۴۱- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- ۴۲- طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان*، به کوشش محمود محمد شاکر، مکه، دارالتربیه.
- ۴۳- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان*، به کوشش احمد حبیب قصیر عاملی، نجف، دار احیاء التراث، ۱۳۸۳ق.
- ۴۴- عظیم‌پور مقدم، عظیم، «حذف در قرآن و تأثیر آن در ترجمه‌های فارسی»، *مقالات و بررسی‌ها*، شماره ۷۰، زمستان ۱۳۸۰ش، ص ۷۵-۹۲.
- ۴۵- فتحی، احمد اسماعیل حسن، «من أسرار الحذف فی بعض آیات القرآن الکریم»، *مجلة كلية اللغة العربية بالقاهرة*، شماره ۸، ۱۴۱۰ق، ص ۱۲۹-۱۷۴.
- ۴۶- فخررازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- ۴۷- فراء، یحیی بن زیاد، *معانی القرآن*، قاهره، هیئة المصریة العامة للکتاب، ۱۹۸۰م.
- ۴۸- قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، به کوشش احمد عبدالعلیم بردونی، قاهره، دار الشعب، ۱۳۷۲ق.
- ۴۹- کاشی، فتح‌الله بن شکرالله، *منهج الصادقین*، تهران، علمی، ۱۳۳۳ش.
- ۵۰- محمد، احمد سعد، *التوجيه البلاغی للقراءات القرآنیة*، قاهره، مکتبه الآداب، ۱۹۹۸م.
- ۵۱- مکی بن ابی‌طالب قیسی، *اعراب القرآن*، منتشرشده در انتساب به زجاج، به کوشش

ابراهیم ایبازی، قاهره، دارالکتاب المصری.

۵۲- نظام‌الدین نیشابوری، حسین بن محمد، *غرائب القرآن*، بیروت، دارالکتب العلمیه،

۱۴۱۶ق.

Bibliography

1. The Holy *Qurʾān*.
2. Abū ʿAlī al-Fārsī, Ḥasan b. Muḥammad, *Al-Ḥujja lil Qurraʿ al-Sabʿa*, Beirut, Dār al-Maʿmūn li al-Turāth, 1413 AH.
3. Abū al-Saʿūd, Muḥammad b. Muḥammad, *Al-Tafsīr*, Beirut, Dār Ihyāʾ al-Turāth Al-ʿArabī, 1983.
4. Akhfash, Saʿīd b. Masʿadi, *Maʿānī al-Qurʾān*, ed. Hudā Maḥmūd Qarrāʿa, Cairo, Maktaba al-Khānjī, 1411 AH.
5. Ākhūndī, ʿAlī Asghar, “Comparative examination on Definitions of Rhyme in *Qurʾān*”, *Muṭāleʿāt-e Taqribī Mazāhib-e Islāmī*, vol. 11, no. 44, September 2016.
6. Ālūsī, Maḥmūd b. ʿAbdullāh, *Rūḥ al-Maʿānī*, Beirut, Dār al-Kutub al-ʿIlmiyya, 1415 AH.
7. Azharī, Muḥammad b. Aḥmad, *Tabdhīb al-Lughā*, Beirut, Dār al-Kitāb al-ʿArabī, 2001.
8. ʿAzīmpūr Moghaddam, ʿAzīm, “Omissions in the *Qurʾān* and its effect on Persian translations”, *Maqālāt va Barrasibā*, no. 70, Winter 2018, pp. 75-92.
9. Bannāʿ, Aḥmad b. Muḥammad, *Itihāf Fuḍalāʿ al-Basbar*, Beirut, Dār al-Kutub al-ʿIlmiyya, 1422 AH.
10. Bāqillānī, Muhammad b. Ṭayyib, *Ijāz al-Qurʾān*, Cairo, Dār Al-Maʿārif.
11. Barzin, Somayye et al, “Rhetorical Secrets of Eliminating the Verbs in the Holy *Qurʾān* and Criticism of its Persian Translations”, *Qurʾān and Hadith Research Journal*, no. 11, Fall and Winter 2013, pp. 1-19.
12. Bayḍāwī, ʿAbdullāh b. ʿUmar, *Anwār al-Tanzīl*, Beirut, Dār Ihyāʾ al-Turāth al-ʿArabī, 1418 AH.
13. Fakhr al-Dīn Rāzī, Muḥammad b. ʿUmar, *Al-Tafsīr al-Kabīr*, Beirut, Dār Ihyāʾ al-Turāth al-ʿArabī, 1420 AH.
14. Farrāʿ, Yaḥya b. Ziyād, *Maʿānī al-Qurʾān*, Cairo, Al-Hayʿat Al-Miṣriyya al-ʿĀmma lil-Kitāb, 1980.
15. Fathī, Ahmad Ismāʿīl Ḥasan, “Min Asrār al-Ḥadhf fi Baʿḍ Āyāt *al-Qurʾān* al-Karīm”, *Majalla Kullīyya al-Lughā Bil-Qāhira*, no. 8, 1410 AH, pp. 129-174.
16. Ḥalīmī, Hoseyn b. Ḥasan, *Al-Minhāj*, ed. Ḥilmī Muḥammad Fawda,

- Beirut, Dar al-Fikr, 2019.
17. Haqqī, Ismā'īl b. Muṣṭafā, *Rūḥ al-Bayān*, Beirut, Dār al-Fikr.
 18. Ḥusnāwī, Muḥammad, *Al-Fāṣila fī al-Qur'ān*, Beirut, Al-Maktab Al-Islāmī, 1406 AH.
 19. Ibn 'Ādil, 'Umar b. 'Alī, *Al-Lūbāb fī 'Ulūm al-Kitāb*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmīyya, 1419 AH.
 20. Ibn Juzzī, Muḥammad b. Aḥmad, *Al-Tasbīl li 'Ulūm al-Tanzīl*, Beirut, Dār Al-Arqam, 1416 AH.
 21. Ibn Khālawayh, Ḥusayn b. Muḥammad, *Al-Ḥujja fī Al-Qirā'at Al-Sab'*, Beirut, Al-Risāla, 1421 AH.
 22. Ibn Khālawayh, Ḥusayn b. Muḥammad, *I'rāb Al-Qirā'at al-Sab'*, Cairo, al-Khānjī, 1413 AH.
 23. Ibn Manzūr, Muḥammad b. Mukarram, *Lisān al-'Arab*, Beirut, Dār Ṣādir, 1414 AH.
 24. Ibn Qutayba, 'Abdullāh b. Muslim, *Gharīb al-Qur'ān*, ed. Aḥmad Ṣaqr, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmīyya, 1398 AH.
 25. Ibn Wajih, 'Abdullāh b. 'Abdul-Mu'min, *Al-Kanz fī al-Qirā'at al-'Asbr*, Cairo, Maktaba al-Thiqāfa al-Dīniyya, 1425 AH.
 26. Ibn Zanjala, 'Abdur-Raḥman b. Muḥammad, *Ḥujja al-Qirā'at*, ed. Sa'īd Afghānī, Cairo, Dar al-Risāla.
 27. Jamal, Sulaymān b. 'Umar, *Al-Futūḥāt al-Ilābiyya*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmīyya, 1427 AH.
 28. Kāshānī, Faṭḥollāh b. Shokrullāh, *Manbaj al-Sādeqīn*, Tehran, 'Elmī, 1333 SAH.
 29. Khafājī, Aḥmad b. Muḥammad, *Al-Ḥāsbīya 'alā Tafṣīr al-Bayḍāwī*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmīyya, 1417 AH.
 30. Khālīl b. Aḥmad, *Al-'Ayn*, ed. Mahdī Makhzūmī and Ibrāhīm Samirrā'ī, Beirut, Dār wa Maktaba al-Hilāl, 1980.
 31. Khāzin, 'Alī b. Muḥammad, *Al-Tafṣīr*, Beirut, Dār al-Kutub Al-'Ilmīyya, 1415 AH.
 32. Makkī b. Abī Ṭālib Qaysī, *I'rāb al-Qur'ān*, printed in the wrong attribution to Zajjāj, ed. Ibrāhīm Abyārī, Cairo, Dār al-Kitāb al-Miṣrī.
 33. Muḥammad Aḥmad Sa'd, *Al-Tawjīb al-Balāghī lil-Qirā'at*, Cairo, Maktaba al-Ādāb, 1998.

34. Niẓām al-Dīn Niysābūrī, Ḥasan b. Muḥammad, *Qarā'ib al-Qur'an*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmiyya, 1416 AH.
35. Qurṭubī, Muḥammad b. Aḥmad, *Al-Jāmi' li Ahkām Al-Qur'an*, ed. Aḥmad 'abdu-'Alīm Bardūnī, Cairo, Dār al-Sha'b, 1372 AH.
36. Rāghīb Isfahānī, Ḥusayn b. Muḥammad, *Mufradāt Alfāz al-Qur'an*, ed. Nadīm Mar'ashlī, Cairo, Dār al-Kātib al-'Arabī, 1392 AH.
37. Rummānī, 'Alī b. 'Isā, *Al-Nukat fi Ijāz al-Qur'an*, in *Thalāth Rasā'il fi Ijāz al-Qur'an*, Cairo, Dār al-Ma'ārif, 1387 AH.
38. Sajistānī, Muḥammad b. 'Azīz, *Nuzba al-Qulūb*, Beirut, Dār al-Ma'rifa, 1410 AH.
39. Samīn, Aḥmad b. Yūsuf, *Al-Dur al-Maṣūn*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmiyya, 1414 AH.
40. Seyyedi, Seyyed Hoseyn and Şahrāyī, Fāteme, "Effects of the Rhetoric of Omission in the *Qur'an*", *Historical Approaches to Qur'an and Hadith Studies*, no. 48, Fall and Winter 2019, pp. 67-88.
41. Shahbāzī, Maḥmūd and Shahbāzī, Asghar, "Aesthetic Functions of the Omission in the Holy *Qur'an*", *Linguistic Researches of the Qur'an*, vol. 2, number 1, spring and summer 2013, pp. 55-68.
42. Sharif Lahījī, Muḥammad b. 'Āli, *Tafsīr*, Tehrān, Dād Publication, 1373 SAH.
43. Sībawayh, 'Amr b. 'Uthmān, *Al-Kitāb*, Cairo, Maktaba al-Khānjī, 1408 AH.
44. Sīyūtī, 'Abdu-Raḥmān b. AbīBakr, *Al-Itqān*, ed. Muḥammad Abul-Faḍl Ibrāhīm, Cairo, Al-Hay'a al-Miṣrīyya al-'Āmma lil-Kitāb, 1394 AH.
45. Ṭabarī, Muhammad b. Jarīr, *Jāmi' Al-Bayan*, ed. Maḥmūd Muḥammad Shākīr, Mecca, Dar al-Tarbīya.
46. Ṭabarsī, Faḍl b. Ḥasan, *Madjma' al-Bayān*, Tehran, Naser Khosrow, 1372 SAH.
47. Taj al-Qurrā', Maḥmūd b. Ḥamza, *Al-Burbān*, ed. 'Abdu-Qādir Aḥmad 'Aṭa, Cairo, Dar al-Faḍīla.
48. Taj al-Qurrā', Maḥmūd b. Ḥamza, *Lubāb al-Tafāsīr*, doctoral thesis of Ibrāhīm b. Muḥammad b. Ḥasan Dūmarī, Faculty of Uṣūl al-Dīn, Muḥammad bin Sa'ūd Islamic University, Riyadh, 1429 AH.
49. Ṭūsī, Muḥammad b. Ḥasan, *al-Tibyān*, ed. Aḥmad Ḥabīb Qaṣīr al-'Āmilī,

- Beirut, Dār Ihyā' al-Turāth al-‘Arabī, 1964.
50. Zajjāj, Ibrāhīm b. Sarīy, *Ma‘ānī al-Qur’ān wa I‘rābuhūb*, ed. ‘Abdul-Jalīl ‘Abduh Shalabī, Beirut. ‘Ālam al-Kutub, 1408 AH.
51. Zamakhsharī, Maḥmūd b. ‘Ūmar, *al-Kashshāf*, Beirut, Dār al-Kitāb al-‘Arabī, 1407 AH.
52. Zarkashī, Muḥammad b. ‘Abdullāh, *Al-Burbān*, Cairo, Ḥalabī Printing House, 1376 AH.